

## سکولاریسم پنهان آری یا نه؟

یادداشتی از حجت الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا

افرادی که به لحاظ عملی گرایش دنیوی دارند و به لحاظ نظری نیز در اندیشه و باور خود سکولار هستند، در تعقیب اغراض دنیوی و یا سیاسی خود، تا هنگامی که الزامات فرهنگی آن‌ها را به پوشش گرفتن از تفاسیر معنوی و دینی ترغیب نکند، زمینه و انگیزه‌ای برای این کار ندارند. اگر هم از ناحیه فرهنگ عمومی ناگزیر از آن شوند، استفاده از تفاسیر آرام و پنهان سکولار را به توجیهات معنوی ترجیح می‌دهند. زیرا این نوع از تفاسیر، ضمن آنکه آن‌ها را از خطرات مقابله با فرهنگ عمومی مصون می‌دارد، ریشه باور معنوی را در حوزه فرهنگ عمومی می‌خشکاند و زمینه تحول فرهنگ را به سوی انگاره‌های سکولار و دنیوی فراهم می‌آورد.

جریانی که استحاله فرهنگ دینی را در دستور کار خود قرار داده باشد، از روش فوق برای تغییر فرهنگ استفاده خواهد

سکولاریسم پنهان، سکولارها را از خطرات مقابله با فرهنگ عمومی مصون می‌دارد، ریشه باور معنوی را در حوزه فرهنگ عمومی می‌خشکاند، و جامعه را به سوی انگاره‌های سکولار و دنیوی می‌برد.

جریانی که استحاله فرهنگ دینی را در دستور کار خود قرار داده باشد، با ترویج پنهان و آرام باورهای سکولار امکان تحول فرهنگ را در عمیق‌ترین لایه‌های معرفتی آن فراهم می‌آورد.

**حجت الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا**، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاون آموزش مجمع عالی حکمت اسلامی و همچنین عضو گروه مطالعات انقلاب اسلامی و غرب‌شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، به بررسی ریشه‌های پیدایش و گسترش سکولاریسم پنهان پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.



کرد. زیرا این روش ضمن آنکه مانع از مقابله مستقیم با فرهنگ عمومی می‌شود، از پوشش‌های معنوی و دینی که هویت معنوی فرهنگ را به رسمیت می‌شناسند، دوری می‌کند و با ترویج پنهان و آرام باورهای سکولار، امکان تحول فرهنگ را در عمیق‌ترین لایه‌های معرفتی آن فراهم می‌آورد.

مفاهیم کلیدی و محوری هر فرهنگ و تمدن به سهولت قابل انتقال و قابل ترجمه در حوزه‌های فرهنگی رقیب نیستند. دشواری ترجمه این مفاهیم به معادل‌یابی الفاظ محدود نمی‌شود. دشواری ترجمه ریشه در دو امر دارد:

● نخست، بار معنایی این مفاهیم و بیگانه و نامأنوس بودن معنای آن‌ها برای فرهنگی که ترجمه در آن واقع می‌شود.

● دوم، اثر مخرب و ساختارشکنانه برخی از این مفاهیم و معانی برای فرهنگ‌های رقیب و در نتیجه موضع‌گیری فرهنگ رقیب در قبال آن‌ها.

موضع‌گیری در قبال مفاهیم فرهنگی رقیب موجب می‌شود برخی عوامل و انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی مانع از تبیین شفاف آن‌ها شوند. زیرا کسانی که در متن فرهنگ رقیب، نسبت به آن مفاهیم شیفتگی دارند، هنگام انتقال آن مفاهیم با رویکردی ترویجی و تبلیغی از ترجمه‌هایی پوشش می‌گیرند که با ابهام خود مانع از برانگیخته شدن حساسیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شوند، و بلکه در صورت امکان در اثر ابهام و عوامل عارضی مورد استقبال عموم قرار می‌گیرند.

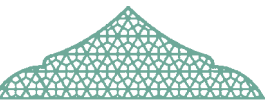
صرف‌نظر از معادل‌هایی که برای سکولاریزم و مشتقات مربوط به آن به کار برده می‌شود، در معنای سکولاریزم می‌توان گفت این لفظ ناظر بر نوعی هستی‌شناسی است که اصالت را به امور دنیوی و این جهانی می‌دهد. این نوع از هستی‌شناسی که با انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی مناسب با خود هماهنگ است، در برابر نوع دیگری از هستی‌شناسی قرار می‌گیرد که صورتی معنوی و دینی دارد.

در هستی‌شناسی معنوی اصالت به هستی متعالی و قدسی داده می‌شود. در این نگاه، ساحتی از هستی که از آن با عنوان غیب یاد می‌شود، بر این جهان و عالم محیط بوده و

نسبت به آن معنابخش و تعیین‌کننده است. به گونه‌ای که غفلت از آن هستی معنوی مانع از شناخت حقیقت این جهان می‌شود. این نگاه با حفظ رویکرد معنوی و دینی خود یا نسبت به زندگی دنیا فعال و سازنده است و یا آنکه رویکردی منفی و زاهدانه نسبت به دنیا دارد. این رویکرد دوگانه را در مقایسه بین رهبانیت مسیحی که عزلت و گوشه‌گیری است و رهبانیت اسلام که به تعبیر پیامبر خاتم، جهاد در راه خداوند است، می‌توان دید.

نگاه معنوی، یا موضعی مثبت نسبت به مراتب گوناگون عقل و عقلانیت دارد، و یا آنکه در تقابل با آن قرار می‌گیرد. این دوگانگی نیز در مقایسه ادیانی که ایمان را در تقابل با عقل قرار می‌دهند، با اسلام که عقل را به مصداق «ما عبد به الرحمن» با ایمان قرین می‌داند، می‌توان مشاهده کرد.

نگاه معنوی می‌تواند چهره‌ای توحیدی و یا اساطیری داشته باشد، این تقابل از مقایسه ادیان توحیدی با ادیان مشرکانه که به الهه‌های متعدد قائل‌اند، روشن می‌شود.



**براساس آیات قرآن کریم «بیان شیوا» به قدری ارزش دارد که حضرت موسی (ع) همین که مأمور هدایت فرعون شد، از خدا «بیان شیوا» خواست: و احلل عقدة من لساني يفقهوا قولي؛ «و گره از زبانم باز نما. تا آن‌ها سخنان مرا خوب بفهمند»**

گزاره‌ای مانند معنویت می‌تواند صورتی صادق و یا کاذب داشته باشد؛ صدق و کذب علمی و عملی. معنویت صادق و کاذب به دو معنا می‌تواند به کار رود: صدق و کذب با معیار علمی و عقلی که در این معنا، معنویت صادق معنوبیتی است که مطابق با واقع باشد، و براهین عقلی و یا مکاشفات رحمانی صدق آن را تأیید کند. معنویت کاذب نیز اعتقاد به حقایق فوق طبیعی و لکن به گونه‌ای خلاف واقع است. این نوع معنویت که با عقاید خرافی در آمیخته است، موافق برهان عقلی و نقلی و مکاشفات صحیح نیست؛ مانند باورهای مشرکانه و اساطیری.

فرد منافق نیز از معنویت کاذب به معنای دوم آن برخوردار است. زیرا او به‌رغم آنکه به لحاظ رفتاری گرایش دنیوی دارد، در بعد نظری رفتار خود را برای دیگران توجیه معنوی می‌کند. در فرد فاسق، بین رفتار و اعتقاد او فاصله وجود دارد و در فرد منافق بین رفتار و انگیزه او و باور اعتقادی که اظهار می‌دارد، اختلاف هست. بین رفتار و اعتقاد باطنی منافق اختلافی نیست. او در باطن خودباوری معنوی ندارد تا آنکه آن معنویت از طریق رفتارش تکذیب شود.

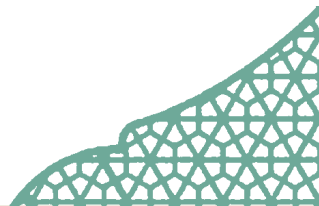
صدق و کذبی که از سنجش نظر و عمل یا از مقایسه ظاهر و باطن افراد به دست می‌آید، معنایی نسبی دارد. یعنی هر کس که رفتار او مطابق باور معنوی‌اش باشد و به بیان دیگر در رفتار خود اخلاص داشته باشد و یا آنکه باور و رفتارش با معنوبیتی که اظهار می‌دارد هماهنگ باشد، معنوبتش صادق است، و هر کس با رفتار خود عقاید خویش را تکذیب کند و یا اندیشه و عملش برخلاف تظاهر معنوی و دینی‌اش باشد، معنوبتش کاذب است. این معنای از صدق و کذب ناظر بر حقیقت اعتقاد فرد و مطابقت آن با متن واقع و جهان خارج نیست.

سکولاریسم گاه به صورت یک تئوری نظری است و گاه در قالب یک گرایشی عملی. گرایش عملی سکولاریزم فرایند سکولاریزاسیون و دنیوی شدن را به دنبال می‌آورد. دو بعد نظری و عملی سکولاریزم گاه با یکدیگر همراه‌اند و گاه بین آن‌ها فاصله می‌افتد. گرایش عملی سکولاریزم، هرگاه با اعتقاد و یا بیان و توجیه نظری معنوی قرین باشد، نوعی معنویت کاذب را به دنبال می‌آورد.

چهره نظری سکولاریزم گاه عریان و آشکار است، نظیر فلسفه‌های ماتریالیستی که به صراحت، متافیزیک و حقایق معنوی را انکار می‌کنند، و گاه پنهان و آرام است و آشکارا در مقام انکار و نفی معنویت قرار نمی‌گیرد. صورت آرام و پنهان سکولاریزم یا با سکوت از کنار گزاره‌های معنوی و دینی عبور می‌کند، مانند پوزیتیویست‌های حلقه وین که به لحاظ معرفت‌شناختی گزاره‌های دینی را مهمل و بدون معنا می‌دانند و نفی و یا اثبات آن‌ها را جایز نمی‌دانند و تبیین این جهان را صرف‌نظر از عالم معنا انجام می‌دهند، بدون آنکه به صراحت به نفی آن بپردازند، و یا اینکه با رویکردی دنیوی به توجیه، تبیین و در عین حال دفاع از گزاره‌ها و پدیده‌های معنوی می‌پردازند؛ مانند کسانی که با روش‌های پراگماتیستی و یا تفسیرهای کارکردگرایانه از مفید بودن کارکردهای مثبت اجتماعی دیانت خبر می‌دهند.

تفسیر و توجیه سکولار و دنیوی دیانت و معنویت از جهات مختلف صور گوناگونی دارد؛ به لحاظ خاستگاه، برخی از آن‌ها دین و معنویت را حاصل فعالیت ذهنی آدمی برای تبیین نظری جهان در مرحله‌ای از مراحل تکوین معرفت بشری می‌دانند. بعضی دیگر تفسیرهای احساسی و روان‌کاوانه از معنویت ارائه می‌دهند. برخی از تفاسیر نیز در تبیین و توجیه معنویت رویکردی اجتماعی دارند. از نظر منطقه حضور و قلمرو، برخی دین را محدود به قلمرو فردی و درونی افراد می‌دانند و در حد پدیده‌های شخصی و روانی آن را به رسمیت می‌شناسند. بعضی دیگر قلمرو دین را در امور اجتماعی و سیاسی جست‌وجو می‌کنند و آن را در قالب نوعی ایدئولوژی می‌نگرند که به تفسیر و توجیه معیشت و رفتار و ساختار اجتماعی می‌پردازد. این گروه تعینات مختلف دینی را در قالب تعینات اجتماعی می‌بینند. رویکردهای ایدئولوژیک به دین و معنویت نیز می‌تواند صورت‌های رادیکال و یا محافظه‌کارانه، چپ و راست، سوسیالیستی و یا لیبرالیستی و ... داشته باشد. تفسیر روان‌کاوانه فروید نوعی رویکرد روانی و بیشتر فردی به دین است، و تبیین دور‌کیم و یا مارکس از دیانت، تبیین اجتماعی و ایدئولوژیک است. کذب علمی این نوع معنویت بر مبنای هستی‌شناسی دینی

**افراد برای پوشش دینی دادن به رفتار دنیوی خود، گاه از تفاسیر آرام و پنهان سکولار نسبت به دین استفاده می‌کنند و گاه نیز از تفاسیر معنوی و دینی بهره‌می‌برند**



و تفسیر معنوی جهان در صورتی است که بیان فواید و کارکردهای دنیوی دیانت با تقلیل‌گرایی و تنزل حقیقت دین به همین افق محدود شود. کسانی که متافیزیک را ممتنع و یا گزاره‌های متافیزیکی و معنوی را به لحاظ معرفتی مهم‌ل می‌دانند، در تفسیرهای روانی و یا کارگرایانه خود ناگزیر به چنین تقلیلی گرفتار می‌شوند.

کذب عملی تفاسیر سکولار از دیانت، بیشتر توسط ارباب سیاست محقق می‌شود. آنان با نگرش سکولار و دنیوی خود، هنگامی که با کارکردهای اجتماعی و مفید دین آشنا می‌شوند، برای تحقق بخشیدن به اغراض سیاسی و دنیوی خود، از دیانت به‌عنوان پوششی مفید و کارآمد بهره می‌برند.

افراد برای پوشش دینی دادن به رفتار دنیوی خود، گاه از تفاسیر آرام و پنهان سکولار نسبت به دین استفاده می‌کنند و گاه نیز از تفاسیر معنوی و دینی بهره می‌برند. استفاده از تبیین‌های معنوی و دینی برای توجیه رفتار توسط کسانی که به لحاظ نظری و عملی معتقد و عامل به نگاه و آرمان‌های معنوی نیستند، نوعی دیگر از معنویت کاذب است.

برای تفسیر و توجیه سکولار از دین و برای معنویت کاذب زمینه‌ها و انگیزه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از آن‌ها فردی و بعضی اجتماعی، و بعضی علمی و برخی عملی است. دیدگاه‌های معرفت‌شناختی که با رویکرد پوزیتیویستی و یا شکاکانه معرفت‌عقلی را تاب نمی‌آورند و ارزش جهان‌شناختی معرفت‌شهودی و وحیانی را نمی‌پذیرند. به دلایل منطقی اگر هم به صورت عریان در تقابل با نگاه معنوی و دینی قرار نگیرند، چاره‌ای جز ارائه تفسیر سکولار از معنویت و دین ندارند. افرادی که به لحاظ شخصی تربیت و علقه معنوی و دینی دارند، هنگامی که به لحاظ معرفت‌شناختی از دفاع عقلانی دین باز می‌مانند، به انگیزه‌های روانی - فردی به سوی تفسیرهای سکولار از دین گرایش خواهند داشت که به لحاظ نظری صورتی عریان و آشکار ندارد، و تفاسیری را دنبال می‌کنند که با توجیه دنیوی از حضور دیانت دفاع می‌کند.

در شرایطی که معنویت و دیانت در حوزه

فرهنگ عمومی فعال و پرتحرک باشد، زمینه بسط معنویت کاذب به معنای تفسیر و توجیه رفتارهای دنیوی براساس آرمان‌ها و یا منطق دینی، از ناحیه کسانی پدید می‌آید که به لحاظ عملی رویکرد دنیوی و سکولار دارند؛ اعم از اینکه به لحاظ نظری باور دینی داشته و یا در بعد نظری نیز سکولار باشند.

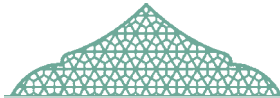
به لحاظ تاریخی، اعتقاد و نگاه معنوی به عالم و آدم، مقدم بر نگاه دنیوی و سکولار است. مقطعی از تاریخ گذشته بشر را نمی‌توان یافت که نگاه دینی و معنوی بر حوزه فرهنگ و زندگی او غلبه نداشته باشد. حضور نگاه معنوی را در تاریخ گذشته بشری در ادبیات و همچنین در آثار تمدنی به جای مانده از آن‌ها می‌توان دید.

نگاه سکولار به عالم و آدم، گرچه در گذشته تاریخ نیز حضور داشته است، ولیکن در هیچ یک از دوره‌های پیشین از بعد فرهنگی و تمدنی غلبه نیافته است. غلبه و رسمیت این نگاه مختص به دنیای مدرن است.

باور، اعتقاد و گرایش دنیوی در یک فرایند تدریجی که از آن با عنوان «سکولاریزاسیون» یاد می‌شود، در فرهنگ و تمدن غرب از رنسانس به بعد گسترش یافت و به تدریج با تسخیر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی تا مرحله تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر استمرار یافت. این نگاه اینک از طریق امکانات و ظرفیت‌های موجود در تمدن غرب داعیه جهانی دارد.

غلبه سکولاریزم در دوران مدرن، به موازات حذف اصل نگاه معنوی و دینی از قلمرو فرهنگ عمومی و علمی، زمینه توجیهات معنوی کاذب و دروغین را نیز خشکاند، و از این پس به جای تفسیر دینی رفتارهای سکولار، تفسیر دنیوی و سکولار اندیشه‌های دینی بسط و گسترش یافت.

مقاومت سکولاریزم در برابر حرکت‌های معنوی و دینی صورت‌های متفاوت عملی و نظری خواهد داشت. اقتدار و سیاست غرب با همه اهرم‌های اقتصادی، نظامی و ابزارها و امکانات در این میدان عمل خواهد کرد، و در این مسیر از فعالیت‌های نظری که در حوزه علوم انسانی سکولار شکل می‌گیرند، استفاده می‌کند و به نوبه خود، با استفاده از صنعت فرهنگ در جهت تقویت این‌گونه علوم و نظریات عمل می‌کند.



**نگاه سکولار به عالم و آدم، گرچه در گذشته تاریخ نیز حضور داشته است، ولیکن در هیچ یک از دوره‌های پیشین از بعد فرهنگی و تمدنی غلبه نیافته است. غلبه و رسمیت این نگاه مختص به دنیای مدرن است**